

تاریخ: ۲۰/۰۸/۱۳۸۲

ساعت: 11:52:41

دیدگاه /

بهمن مه‌آبادی عنوان کرد:

صدای خوب و بد ندارد، فقط درک و دریافت انسان‌ها متفاوت است

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

سرویس موسیقی

[نمایش عکس با ابعاد بزرگتر](#)

بهمن مه‌آبادی از آن دسته موسیقی‌دان‌هایی است که در حوزه‌ی نوشتاری نیز دستی دارد.

از این محقق و پژوهشگر تاکنون نقدهای زیادی در حوزه موسیقی به خصوص موسیقی

کلاسیک و مدرن به چاپ رسیده است

او در این سال‌ها با تشکیل گروه موسیقایی سل به اجرای برنامه‌های کلاسیک و آثار بزرگان جهانی پرداخته

است.

گفت‌وگویی تفضیلی خبرنگار موسیقی ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) با این موزیسین در پی می‌آید:

ایسنا: چگونه انسان‌ها به این درجه می‌رسند که در بیان احساسات و آمال خود صداهای تجربیدی را به گونه‌ای

انتخاب و استخدام می‌کنند که دیگران معمولاً قادر بدان نیستند؟

- بهتون سخن جالبی در این زمینه دارد. او می‌گوید: “من دنیایی را که نمی‌داند غور و تعمق، کشف و

مکاشفه در موسیقی بسی والایتر از ژرفانگری در علم و فلسفه است، تحقیر می‌کنم“. کار موسیقی برای کسی که

عاشق باشد و در پی معراج، نوعی ریاضت آگاهانه است که او را از محدوده‌ی واژگان روزمره بشری خارج

می‌کند و در حیطه تفکرات موزیکال که البته فلسفی علمی پژوهشی و احساسی نیز هستند غرق می‌سازد و این

همان کلام بهتون است که می‌گوید: وقتی کلمات از گفتن باز می‌مانند، موسیقی آغاز می‌شود.

لذا هنر و فعالیت موسیقی تمرینات مداوم و روزانه به آرامی شکل قیافه، طرز گفتار و نوع پندار و کردار فردا

را نیز دچار دگرگونی می‌کند و آن وقت اگر واقعی باشد؛ قدرتی را در آدمی به ودیعت می‌گذارد که او را از

دیگر هموعان خود متفاوت می‌سازد و در اصل انسان به خالق خود نزدیک شده و در سطح توانایی‌های بشری،

خالق آثار بشری می‌گردد و این نمود درک و دریافت بی‌پایان او از هستی خداوند و زندگی است. در این

مرحله می‌توان خواجه عبدالله انصاری، حافظ و فردوسی، خیام و نیما را دید که هر کدام با رسالتی در خور،

بشریت دیگر را ندا در می‌دهند. در موسیقی نیز امر چنین است؛ چه آن کسی که تصنیف می‌کند؛ چه آن کسی

که می‌نوازد. مصنف هم خصیصه‌های خود را در اثر بر جای می‌نهد و نوازنده تفسیر خود را بر اثر او

می‌گذارد و این ژرفانگری خاصی را ایجاد می‌کند که جذاب و شنیدنی است.

ایسنا: پس چگونه است که عده‌ای موسیقی را در حد مسائل پیش پا افتاده پایین می‌آورند و آنرا از رسالت خود

خارج می‌سازند؟

- موسیقی، موسیقی است. صدا خوب و بد ندارد. تنها درک و دریافت انسان‌ها متفاوت است؛ زیرا به قول “نظامی” کرم حقیری که در دورن دانه گندمی زندگی می‌کند، دنیا را همان‌گونه می‌بیند که در اطرافش هست و غیر از آن هیچ تصور و تجسمی ندارد. آنان که موسیقی را در سطوح نازل و پایین قرار می‌دهند از آن استفاده‌های مصرفی روزمره دارند و تازه آن هم از نوع بسیار بد و غیر استاندارد و این به سطح فرهنگی و برخورداری از سواد افراد و سطح فرهنگی جامعه ارتباط نزدیک دارد. این امر اگر به رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون کشیده شود سطح هنری جامعه را زایل کرده و مخاطبین خود را آسان پسند و در نهایت فاقد اندیشه می‌سازد و در دراز مدت تاثیرات نامطلوب روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی را دامن می‌زند. رسالت دولت‌ها، در کشورها در صورتی که احساس مسولیت کنند، این است که در مقابل آن دسته از موسیقی‌های عوامانه با ایجاد امکانات مناسب و پخش و تبلیغ موسیقی خوب، استاندارد، موسیقی که جهان آن را جزو میراث هنری بشریت می‌شناسد و البته به ملت و یا دولت خاصی نیز تعلق ندارد، از سقوط عواطف انسانی، احساسی و تفکر و اندیشه جلوگیری کنند؛ البته حکم دموکراسی وجود همه نوع موسیقی با هر گونه گرایش است؛ اما اگر برای نوعی از موسیقی که به هر حال با علوم و استانداردهای مربوطه همخوانی ندارد و نظریه جهانی نیز همین است، یک دقیقه تبلیغ شود، برای موسیقی خوب این زمان می‌باید ده برابر شود تا جوانان و مخاطبین این تبلیغات از وجود نوع خوب و متفکرانه موسیقی نیز مطلع شده و در نهایت با آگاهی موسیقی دلخواه خود را انتخاب کنند. فرهنگ بشری یا آن چیزی که عالمان جهان، دانشمندان و هنرمندان در پی آن هستند، در مقوله اقتصاد سودآور نیست؛ بلکه نیاز به هزینه و زحمت بسیار دارد تا در مقابل تهاجم سرمایه و سود بتواند مقاومت کند. بی شک این از سوی کسانی که به هر حال دستی در این ماجراهای اقتصادی دارند؛ رد خواهد شد؛ اما در کشورهای پیشرفته دنیا روال همین است و ما نیز جز این نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. موضوع کتاب و فیلم، تناثر و دیگر هنرها نیز از این مقوله جدا نیست.

- ایسنا: آیا فکر نمی‌کنید که تشویق مردم به خرید موسیقی خوب که به هر حال موسیقی کلاسیک در راس آن‌ها قرار دارد و راهنمایی‌های مشخص و اصولی برای درک و ارتباط با آن می‌تواند راه حل مشکل باشد؟

یکی از راه‌های مطرح همین است که شما به آن اشاره کردید. کالای فرهنگی را باید به طریقی تبلیغ کنیم که مخاطبین در جریان نشر و عرضه آن‌ها قرار گیرند. یعنی دوستداران موسیقی با تهیه یک نوار کاست که با توجه به نرخ قیمت کالاهای مختلف، زیاد گران به نظر نمی‌رسد یا cd آثار مختلف موسیقی ناب، استاندارد سطح هنری خود را ارتقا دهند و از ساده نگری و سهل انگاری رها شوند و در بعد فراگیرتر، اقدام به پخش آثار ممتاز موسیقی ایران و جهان کنیم تا از طریق گیرنده‌های رادیو و تلویزیون مخاطبین بیشتری را جذب کنیم. در کنار این‌ها با رویکردی جدی به امر پژوهش تحقیق و شنودگان خود مسایل جدی این موسیقی را

تشریح کنیم و قدم به مرحله‌ای بگذاریم که مردم متوجه شوند موسیقی، مقوله‌ای تفریحی و تفننی یا وسیله‌ای برای سرگرمی نیست. این تازه گامی به سوی طرح موضوع تحصیلات و تخصص موسیقی خواهد بود. مردم باید دریابند که یک موسیقیدان حداقل به اندازه یک پزشک زحمت می‌کشد. او سال‌ها تحصیل می‌کند، مطالعه می‌کند و تمرینات سختی را پشت سر می‌گذارد. آنگاه است که استعدادها ذاتی او مطرح می‌شود هر سال در سطوح جهانی از مدارس موسیقی کنسرواتوارها و دانشکده‌های موزیک، صدها نفر فارغ التحصیل می‌شوند؛ اما از بین این تعداد فقط افراد معدودی قادر به ادامه راه موسیقی هستند که البته به توانایی‌ها و خلاقیت شخصی و مسایل تکنیکی و عشق وافر و به قولی برگزیدگی نیز مربوط است. کسی که دارای این ویژگی‌ها هست؛ تازه بایستی خالص نیز باشد و گرنه در منجلاب نام و نان درگیر می‌شود و در بیراهه ناپدید! در این وادی آنان که درست بتوانند راه ببینند؛ کم نیستند؛ اما زیاد هم نیستند.

ایسنا: موسیقی سل به سرپرستی شما در این راستا چگونه تشکیل شد و چه رسالتی را دنبال می‌کند؟
- موسیقی سل سال 1362 با کمک دوستان خوبی که هم اینک نیز به کار موسیقی مشغولند؛ با هدف معرفی آموزش و اجرای موسیقی کلاسیک شکل گرفت. در آن سال‌ها مجوز لازم از وزارت ارشاد دریافت شد و مرکز موسیقی سل کار خود را آغاز کرد تا این که در مقوله آموزش، موفقیت‌های چشمگیری به دست آمد و دوستانی که برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معتبر دنیا در سوئد، آمریکا، اسپانیا و بالاخره کانادا رهسپار شدند؛ تایید این ادعاست آن‌ها با برخورداری از تحصیلات عالی موسیقی که در نهایت به موسیقی کشورشان خدمت کرده و خواهند کرد؛ سعی ما نیز در آموزش همسانی با آخرین متدهای جهانی بود که به نظرم موفقیت آمیز می‌رسد. در مورد کنسرت نیز فعالیت‌های بی‌دریغی برای برگزاری کنسرت‌های آموزشی در مقاطع مختلف طی سال‌های گذشته به انجام رسید. همچنین در خصوص توجیه موسیقی و ارائه متونی برای مطالعه و انتشار پی در پی مقالات متعدد که ممکن است تعداد آن‌ها به حدود 70 مقاله علمی برسد در مجلات و فصلنامه‌های تخصصی موسیقی بود که هنوز هم این روند ادامه دارد؛ برای مثال در مجله هنر موسیقی مقاله بلندی چاپ شده است که به مناسبت پنجاه سال خاموشی “کارل فلش” می‌باشد. نام فلش آشنای تمام دست اندرکاران موسیقی جدي ویولن است و این بار با ارائه مقاله‌ای برای معرفی بیشتر این شخصیت بزرگوار موسیقی، گام دیگری برای تفسیری و توجیه موسیقی جدي داشته شده است. سلسله مقالاتم در فصلنامه هنر نیز که طی 20 سال گذشته نگاشته شده، مبین همین نظر بوده است. همچنین کار بر روی دو جلد کتاب درباره تئوری موسیقی و تاریخ به زودی آماده چاپ می‌شود که در پاره‌ای موارد نیز با انتشارات مرکز سل از سال‌های گذشته در این باره گفت‌وگو شده است. در مورد ارائه خدمات موسیقی نیز مرکز سل از سال‌های گذشته فعالیت‌هایی به انجام رسانده است؛ برای مثال پنج نوار کاست از موسیقی کلاسیک به نام‌های تابستان، پاییز و زمستان و شادی و نیایش با اجرای موزیسین‌های ایرانی که با استقبال مواجه شده؛ ما را در قدم‌های جدي خود مصمم‌تر ساخته است.

ایسنا: همکاران شما در سل چه کسانی هستند؟

هومان بهزادی، اجرای ویولن دوم، که دانشجوی دانشگاه انتاریوی غربی در کانادا است. پوریا کشاورز که او نیز مشغول تحصیل در برنامه‌های جهانی موسیقی است. هومن اختری و در نهایت ناهید ابطی که گیتار کلاسیک می‌نوازد در نیایش همراهی جالبی را با اجرای گیتار ارائه می‌دهد.

ایسنا: به عنوان سوال آخر اگر امکان دارد درباره‌ی ضبط آثارتان توضیح دهید؟

امروزه خوشبختانه موسیقی سل در پایداری خود، به اصالت‌های تعریف شده، راه خود را پی می‌گیرد و هر قدم از قدم قبلی درخشانتر به نظر می‌رسد. نیایش از اجرای زنده ضبط شده و از فرمی و لطافت خاصی برخوردار می‌باشد و حاوی آثاری از موتزارت - بهتوون - بنت - هایدن - ویتالی، دوفه، کار مایکل کورللی می‌باشد که بصورت (CD (ORGNAL و کاست به دستداران نسبت به آلبوم‌های گذشته از کیفیت بهتر و disgn مطلوب جلد برخوردار است و پخش آن نیز به عهده سل - مه آبادی می‌باشد.

البته به این نکته هم اشاره کنم که موسیقی کلاسیک را نباید در استودیو ضبط کرد. این نوع موسیقی برای صحنه ساخته شده و می‌بایست از صحنه مستقیماً به ضبط سپرده شود. ما هم که در این راه در مرحله آزمون و خطا هستیم. هیچ چیز یکباره به دست نمی‌آید و کاری که در کشور ما برای نخستین بار انجام می‌شود بی‌شک دارای نقصیهایی حتمی است اما ما با هر قدم، روشنی‌های تازه‌ای را کشف می‌کنیم و عشق به قول نیچه در ماندگاری است که معنی دارد و به طور حتم سال‌های کار هر قدر مداوم داشته باشد شکوه و عظمت موسیقی به همان اندازه نمایانتر خواهد شد.

انتهای پیام

کدخبر : 8208-07902

